

بررسی تطبیقی مستندات فقهی و حقوقی

حکم به قتل زانی با محارم،

موضوع ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی*

- زهرا وطنی^۱
- معصومه زمانیان^۲

چکیده

یکی از جرایم مشمول مجازات حد در نظام حقوقی اسلام، ارتباط جنسی نامشروع میان مرد و زن است و قرآن تعداد مشخصی ضربه شلاق را برای مرتکب آن مقرر نموده است. فقها به استناد روایات و پس از آن اجماع، با تصویر اقسامی برای زنا، مرتکبان برخی از آن‌ها از جمله زانی با محارم را مستحق قتل دانسته‌اند و همین رأی به عینه در قانون مجازات منعکس شده است. اشکالات سندی و دلالی برخی از روایات مورد استناد ایشان، صحت این فتوا را در محاق تردید قرار می‌دهد. این نوشتار با هدف ارزیابی این فتوا، به روش توصیفی - تحلیلی به بازخوانی و واکاوی ادله مورد استناد قائلان به این رأی پرداخته است و چنان که نمایانده می‌شود، تعداد محدود روایات وارده در این خصوص، ضمن اشکالات سندی،

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۸.

۱. استادیار گروه فقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (vatani@ri-khomeini.ac.ir).

۲. کارشناس ارشد فقه و حقوق، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران (miszmn@yahoo.com).

در تعارض قوی با روایات متضمن مجازات‌های) دیگر برای همین جرم بوده و اخبار متضمن قتل، فاقد مرجح قابل قبول و در نتیجه این فتوا مخدوش است. در مقابل، احادیث دالّ بر اشمال مجازات عام زنا (شلاق) بر زانی با محرم، علاوه بر قوت سندی، همسوی با قرآن و لذا احق به ترجیح در مقام تعارض می‌باشند.

واژگان کلیدی: حد، زنا، زنا با محارم، حد قتل، شلاق، جرایم جنسی، تجاوز جنسی.

مقدمه

تجاوز و تخطی از موازین قانونی و شرعی در اکثر برهه‌های تاریخی با ضمانت اجرای مجازات همراه بوده است و لذا در هر نظام حقوقی، بخش قابل توجهی از احکام و قوانین به تعیین مجازات مرتکبان جرائم مختلف اختصاص می‌یابد. نگاهی به مجموعه‌های قوانین اشنونا، هیتی‌ها، حمورابی، تورات و قرآن کریم به صراحت بیانگر این واقعیت است. در فقه جزایی اسلام، مجازات‌ها در حقیقت به چهار دسته اصلی حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم می‌شوند. حدود به معنای برخی مجازات‌های بدنی با اندازه‌های مشخص شده از جانب شرع برای جرائمی خاص (فراهیدی، ۱۴۰۵: ۱۹/۳؛ ابن فارس، ۱۴۱۸: ۲۴۳/۳؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ۱۴/۱۴؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۲۵۴/۴۱؛ زحیلی، ۱۴۰۴: ۱۳۹۰۱)، از اقسام مجازات‌های غیر مالی - حسب آنچه در این تحقیق در مورد زنا مطرح است- و ماهیاتی تبعدی هستند که نوع و میزان و کیفیت آن‌ها و نیز جرائم منجر به آن‌ها در احکام فقهی تعیین شده است (ماده ۱۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲) و تعداد جرائم مشمول مجازات حد مورد اتفاق فقها نیست. محقق حلّی شش مورد، شهید ثانی هشت مورد و محقق خوبی شانزده مورد را در برشماری جرائم حدی احصا نموده‌اند (محقق حلّی، ۱۴۰۸: ۱۳۶/۴؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ۱۵/۵ و ۲۲؛ موسوی خوبی، ۱۴۲۲: ۲۰۳/۱) و چه بسا بتوان بسیار بیش از این موارد را نیز در متون فقهی یافت؛ تا جایی که برخی نویسندگان تا حدود شصت بزه حدی را در کتب فقیهان شیعه و سنی شمارش کرده‌اند (سلیمانی، ۱۳۹۹: ۲۰۸) که البته زنا از مواردی است که حدی بودن آن مورد اتفاق است. زنا بر «جماع مرد و زنی که رابطه زوجیت بین آن‌ها نبوده است»، اطلاق می‌شود. در مشهور آراء فقهی، زنا اقسامی و هر قسم حد مشخصی دارد که عبارت از قتل، سنگسار و

شلاق است که جنبه‌های مختلف بازدارندگی فردی و اجتماعی در آن‌ها لحاظ شده است. در حالی که اساساً غیر از حد شلاق، هیچ یک از سایر حدود زنا در قرآن نیامده است و سنت نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اخبار ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام منبع احکام سایر انواع حد در مورد این جرم و متفرعات آن‌ها می‌باشند. در این کتاب که نخستین و مهم‌ترین منبع استنباط احکام است، زنا از ممنوعات شمرده شده و در سه آیه درباره مجازات زناکار سخن رانده شده است:

- «زنانی که عمل ناشایسته کنند، از چهار شاهد مسلمان بر آنان گواهی بخواهید؛ چنانچه شهادت دادند، آنان را در خانه نگه دارید تا زمان عمرشان به پایان رسد یا خدا راهی را بر آنان آشکار گرداند» (نساء/ ۱۵).

- «و از میان شما، آن دو تن را که مرتکب زشتکاری می‌شوند، آزارشان دهید؛ پس اگر توبه کردند و درستکار شدند، از آنان صرف‌نظر کنید؛ زیرا خداوند توبه‌پذیر مهربان است» (نساء/ ۱۶).

- «هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید، نباید رأفت [و محبت کاذب] نسبت به آن دو، شما را از اجرای حکم الهی مانع شود و باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند» (نور/ ۲).

آیه سوم به صراحت بدون تنويع، مجازات زن و مرد زناکار را صد ضربه شلاق معرفی می‌کند. در ادبیات عرب، قاعده‌ای وجود دارد که ورود الف و لام بر سر مبتدا، مفید حصر مبتدا در خبر دانسته می‌شود؛ مانند «الکرم فی العرب» که به معنای اختصاص کرامت به عرب است. بر پایه این قاعده، آیه مورد بحث مجازات زانی و زانیه را منحصر به صد ضربه شلاق نموده است و نمی‌توان برای آن‌ها مجازات دیگری در نظر گرفت (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶/۵/۷). اسناد و مدارک تاریخی نیز بر اجرای مجازات جلد در اواخر حیات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نیز بعد از ارتحال آن حضرت گواهی دارند (طباطبایی حائری، ۱۳۷۸: ۲۳۴/۴). آیه مبارکه ۲۵ سوره نساء نیز در خصوص کنیزان مرتکب فاحشه می‌فرماید:

«اگر این کنیزان بعد از اینکه ازدواج کردند، مرتکب فعل قبیحی شدند، مجازاتشان نصف مجازات زنان شوهردار آزاد است. بنابراین آیات قرآن نمی‌توانند مستند مجازات قتل و سنگسار قرار گیرند».

حد قتل در زنا که در ماده ۲۲۴ قانون مجازات بدان تصریح شده است، در چهار مورد اجرا می‌شود که یکی از آن‌ها در مجازات زانی با محارم نسبی خویش است. به نظر می‌رسد شدت قبح این عمل موجب شده است که فقها مجازات شدیدتری را نسبت به عمل مشابه با غیر محارم برای چنین فعلی در نظر گرفته و با تخصیص اصل حرمت خون مسلمان، زانی با محارم را مستحق کشته شدن بدانند. حکم به تخصیص «زانی با محارم» از اصل حرمت خون مسلمان و نیز از عمومات مجازات زانی، به یقین نیازمند ادله محکمی است که توان تخصیص ادله پیش گفته و اخراج این مصداق از آن حکم عام را داشته باشند. البته مشهور فقها با تمسک به تبادر و لزوم اکتفا به قدر متیقن معتقدند که مراد از «محرم» (که به اطلاق واژه، شامل محارم نسبی، رضاعی و مصاهره‌ای است) در روایات حاکم به قتل زانی با محارم، صرفاً محارم نسبی بوده و زنا با محارم سببی و رضاعی مشمول عمومات ادله مجازات زنا باقی می‌ماند. قانون مجازات ایران نیز به پیروی از رأی مشهور، کسی را که با یکی از محارم نسبی خویش زنا نماید، مستحق مجازات اعدام اعلام کرده است.^۱

این مقاله با عنایت به وجود برخی اختلافات در آراء فقهی نسبت به موضوع بحث و پیروی قانون از رأی مشهور و در مقابل انتقادات فراوان حقوق بشری به کثرت مجازات مرگ در قوانین جزایی ایران، و نیز با توجه به میزان احتیاط شارع در هتک دم، به واکاوی ادله این حکم به ویژه با توجه به اختلاف مضامین موجب تفاوت آراء فقها در موضوع بحث می‌پردازد. در گام اول پس از بیان تفاوت آراء فقها، ادله و مستندات که مشهور با تمسک به آن‌ها، زانی با محارم را مستحق مرگ دانسته‌اند، ذکر و ارزیابی می‌شوند. در گام بعد دیدگاه‌های کیفری نوین و برخی مصادیق حکم مورد بحث در رویه قضایی و نیز موانع و ایرادات صدور و اجرای این حکم بیان می‌شود. در پایان با اتکا به نتایج این بررسی، لزوم تغییر این حکم فقهی و ماده قانونی متناظر با آن اثبات می‌گردد.

۱. «ماده ۲۲۴- حد زنا در موارد زیر اعدام است: الف- زنا با محارم نسبی. ب- زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است. پ- زنا با مرد غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است. ت- زنا با عتف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است».

۱. مستندات حکم به مجازات مرگ برای زانی با محارم

مراجعه به کتب فقهی روشن می‌سازد که هرچند غالب فقها مانند طبرسی (۱۴۱۰: ۳۹۲/۲)، موسوی خوانساری (۱۳۵۵: ۲۳/۷)، فاضل مقداد (فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۳۳۵/۴)، فاضل آبی (۱۴۱۷: ۵۵۴/۲)، یحیی بن سعید حلّی (۱۴۰۵: ۳۷۷)، علامه حلّی (۱۴۱۳ الف: ۵۲۶/۳)، شهید ثانی (جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ۳۶۰/۱۴)، ابن بزّاج طرابلسی (۱۴۰۶: ۵۱۹/۲)، ابوصلاح حلبی (۱۴۰۳: ۴۰۵)، سلّار دیلمی (۱۴۱۴: ۲۵۲)، محقق حلّی (۱۴۰۸: ۱۴۱/۴)، ابن حمزه طوسی (۱۴۰۸: ۴۱۰) و بسیاری دیگر، تصریح به وجوب قتل و حتی برخی همچون شیخ طوسی (۱۳۷۷: ۳۸۶/۵) و ابن زهره حلبی (۱۳۷۷: ۴۲۱) ادعای اجماع بر این حکم دارند، اما عده‌ای همچون شیخ مفید (۱۴۱۳: ۷۷۸)، شیخ صدوق (۱۴۱۵: ۴۳۵) و سید مرتضی (سید مرتضی علم‌الهدی، ۱۹۹۴: ۵۲۴) هم می‌گویند که گردنش زده می‌شود و این زدن ممکن است منجر به قتل شود و یا منجر به قتل مضروب نشده و صرفاً آسیب‌دیدگی او را در پی داشته باشد که به همان اکتفا می‌شود. صاحب ریاض معتقد است:

«روایات مشتمل بر حکم زانی با محارم، ظهور در قتل ندارد، بلکه ظاهر اکثر آنها اکتفا به یک ضربه به صورت مطلق [به هر قسمتی زده شود] یا یک ضربه به گردن است، که این اقدام لزوماً کشته شدن فرد را در پی ندارد و حتی برخی روایات تصریح دارند که ممکن است فرد زنده بماند» (طباطبایی حائری، ۱۳۷۸: ۴۷۵/۱۵).

از میان قائلان به لزوم قتل، عده‌ای معتقدند که در مورد این فرد، ابتدا حد زنا اجرا شده و بعد از آن کشته می‌شود؛ زیرا آیه‌ای که مجازات زنا را بیان کرده (نور/۲)، مطلق است و این فرد هم بی‌تردید زناکار است و دلیلی هم بر سقوط حد زنا در این مورد وجود ندارد و آنچه در مورد این فرد، وجوب قتل را ثابت می‌کند، منافاتی با اطلاق آیه نداشته و در مقام بیان مجازاتی غیر از مجازات مذکور در آیه است. در واقع اجرای حد زنا و قتل بعد از حد، منافاتی با هم ندارند و لذا این فرد به حکم آیه، مشمول مجازات حدی زنا بوده و به حکم روایات، مشمول مجازات قتل است (ابن ادریس حلّی، ۱۴۱۰: ۴۳۷/۳). برخی نیز انتخاب شیوه قتل وی را بر عهده قاضی می‌دانند که اگر خواست او را سنگسار کند و اگر خواست او را با شمشیر بکشد (طوسی، ۱۳۴۹: ۲۰۹/۴).

مستند فقها در فتوا به لزوم قتل زانی با محارم، روایات و اجماع است. به نظر

می‌رسد شدت قبح فعل زنا با محارم موجب شده که روایات مجازات شدیدتری را نسبت به عمل مشابه با غیر محارم بیان نمایند و با تخصیص اصل حرمت خون مسلمان، مرتکب این عمل را مستحق کشته شدن بدانند. در گذاری بر موضع آیات الاحکام در این موضوع (ر.ک: مقدمه) نیز مشخص شد که قرآن جرم زنا و مجازات آن را متذکر شده است؛ اما هیچ یک از آیات، بیانگر حکم خاصی غیر از حکم عام زنا در مورد زنا با محارم نیستند. بنابراین علی‌رغم اینکه قرآن منبع اصلی احکام، و ائمه (مصدر روایات) مفسر قرآن هستند، این منبع از زمره ادله این حکم خارج است.

۱-۱. روایات

روایات وارده در موضوع زنا با محارم را علی‌رغم تفاوت‌های فراوان در مضمون، می‌توان در چهار دسته جای داد: دسته اول روایاتی که دال بر ضرب گردن هستند؛ دسته دوم روایاتی که به همراه ضرب گردن، حکم به حبس ابد در صورت زنده ماندن نموده‌اند؛ دسته سوم روایاتی که تصریح در تساوی حد زانی و حد زانی با محارم دارند؛ دسته چهارم روایاتی که صریح در قتل هستند.

۱-۱-۱. دسته اول: روایات ضربه شمشیر بر گردن

در احادیث وارده در این موضوع، دو روایت از جمیل بن درّاج و بکیر بن اعین نقل شده که ظهور در لزوم گردن زدن زانی با محارم دارند:

۱-۱-۱-۱. حدیث جمیل بن درّاج

احمد بن محمد از علی بن حسن از علی بن آسیاب از حکم بن مسکین نقل کرده است که جمیل بن درّاج گفت:

«به امام صادق علیه السلام گفتم: کدام قسمت از بدن شخصی که با محرم خود زنا نموده، مورد ضربت قرار می‌گیرد؟ موضعی که شمشیر باید فرود آید، کجاست؟ فرمود: گردن او زده می‌شود» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۹۰/۷).

این حدیث را مجلسی دوم «مجهول» توصیف نموده است (مجلسی دوم، ۱۴۰۴:

۲۳/۲۸۹)؛ اما مراجعه به شرح حال روات آن، مثبت خلاف این ادعاست.

احمد بن محمد عاصمی (نجاشی، ۱۴۰۶: ۹۳؛ ابن داود حلی، ۱۳۸۳: ۴۲). علی بن حسن بن فضال (نجاشی، ۱۴۰۶: ۲۵۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۷: ۹۳)، ابوالحسن علی بن اسباط بن سالم بیاع (ابن داود حلی، ۱۳۸۳: ۴۸۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۷: ۹۹) و جمیل بن درّاج (کشی، ۱۴۰۳: ۲۵۱؛ نجاشی، ۱۴۰۶: ۱۲۶؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۹۴) همگی از ثقات هستند. تنها در مورد حکم بن مسکین است که تصریحی به وثاقت وجود ندارد (نجاشی، ۱۴۰۶: ۱۳۶)؛ لکن ابن داود وی را در زمره ممدوحین و کسانی که تضعیف نشده‌اند، ذکر می‌کند (ابن داود حلی، ۱۳۸۳: ۱۳۰). بنابراین این حدیث مسند را باید حداقل «حسن» دانست.

این روایات آن گونه که از ظاهر عبارت و فتوای فقها برمی‌آید، بر حکم به قتل حمل شده‌اند. در نظر ایشان، تعبیراتی مثل «ضربه زدن به گردن»، کنایه از قتل بوده و همچنین برداشت عرف از تعبیر «به هر اندازه اصابت کرد»، این است که لازم نیست در زدن ضربه دقت شود که مبادا از اندازه معینی بیشتر اجرا شود (ایروانی، ۱۴۲۲: ۲۳۸/۳). برخی فقها نیز گفته‌اند به دلیل اینکه در آن زمان بیشتر از شمشیر برای کشتن استفاده می‌شده، پس منظور حدیث از عبارت ضربه با شمشیر، کشتن و قتل می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۲۶۰).

در پاسخ این استدلال سه نکته قابل ذکر است:

۱- عدم ذکر مرگ به عنوان مجازات و استفاده از تعبیر «ضربه با شمشیر» می‌تواند شاهد عدم قطعیت اعدام و یا حتی عدم مشروعیت حکم به قتل باشد. در واقع اگر اراده امام از مجازات با شمشیر، سلب حیات مجرم بوده است، چه دلیلی می‌توان برای عدم تصریح به مراد واقعی که تردید مکلفان در تعیین حکم را در پی دارد، جست؟ چه بسا در بسیاری موارد در روایاتی صحیح و مسند، امام به صراحت حکم به مجازات مرگ برای مجرم نموده است:

الف) امام صادق علیه السلام در پاسخ به این پرسش که عقوبت یهودی که با زن مسلمان مرتکب زنا می‌شود، چیست؟ فرمود: «یقتل» (کلینی، ۱۳۷۵: ۲۳۹/۷).

ب) از امام باقر علیه السلام سؤال شد: کسی که با اجبار زنی را مجبور به زنا کند، چگونه باید مجازات شود؟ فرمود: «او را باید کشت، خواه محصن باشد و خواه غیر محصن» (همان: ۱۸۹/۷).

۲- کلمه ضرب در لغت عبارت است از «افکنندن چیزی بر روی چیزی دیگر» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۵). پاسخ امام به سؤال جمیل با معنای لغوی مطابق است؛ زیرا مقصود امام، بیان قسمتی از بدن است که شمشیر باید بر آن وارد آید و این، ملازمه‌ای با لزوم کشتن مجرم ندارد.

۳- اگر «ضربه به گردن» را به معنای قتل بگیریم، مجاز مرسل^۱ اتفاق می‌افتد (درویش، ۲۰۱۴: ۲۰۱/۹-۲۰۲) و در استعمال مجازی باید قرینه و نشانه‌ای ذکر شود تا ذهن را از معنای اصلی منحرف و به معنای مجازی اشاره کند؛ ولی در اینجا این قرینه ذکر نشده است و لذا نمی‌توان طبق نظر فقها معتقد بود که از ضربه بر گردن، معنای مجازی آن اراده شده است. پس همان معنای حقیقی یعنی ضربت با شمشیر (نه معنای مجازی که قتل است) مراد بوده که موافق معنای لغوی است. این اشکالات و نیز تردید در سند روایت، برداشت فقها از این روایت را دچار تفاوت و اختلاف نموده است (برای نمونه ر.ک: موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۲۲۹/۱).

۱-۱-۱-۲. حدیث بکیر

علی بن ابراهیم از پدرش از ابن محبوب از ابوایوب و همگی از بُکیر بن اعین نقل کرده‌اند که بکیر از امام صادق یا امام باقر علیهما السلام چنین نقل نموده است:

«هر کس با یکی از محارم خویش زنا کند، طوری که واقعه صورت گیرد، باید او را تنها با یک ضربه شمشیر مجازات نمود و مهم نیست که شمشیر به چه قسمتی از بدنش اصابت نماید و اگر زن نیز با آن مرد همراهی کند، به همین صورت مجازات می‌شود. پرسیدند: با توجه به اینکه این دو شاکی خصوصی ندارند، چه کسی مجری این حکم خواهد بود؟ فرمود: در صورتی که این دو را نزد امام آورند، خود او این کار را به انجام خواهد رسانید» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۹۰/۷: صدوق، ۱۴۰۳: ۴۱/۴).

این روایت را مجلسی اول و بحرالعلوم صحیح دانسته‌اند (مجلسی اول، ۱۴۰۶: ۵۷/۱۰: بحرالعلوم طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۵۶/۱). مراجعه به کتب رجال نیز بیانگر وثاقت روات

۱. مجاز مرسل، مجازی است که رابطه میان معنای حقیقی و معنای مجازی از طریق مشابهت حاصل نشده است و در آن جهاتی مانند اراده کل به وسیله گفتن جزء یا برعکس شده است (تفتازانی، ۱۳۷۶: ۲۲۰-۲۱۹/۱).

حدیث: بُکیر بن اعین (کشی، ۱۴۰۳: ۳۱۵؛ علامه حلّی، ۱۴۱۷: ۲۸؛ قهپایی، ۱۳۸۷: ۱/۲۷۹)، ابویوب خزّاز (کشی، ۱۴۰۳: ۳۶۴؛ نراقی، ۱۴۲۲: ۱/۴۳؛ موسوی خویی، ۱۴۰۳: ۱/۲۲۴)، حسن بن محبوب (نجاشی، ۱۴۰۶: ۳۴۹ و ۴۰۸؛ کشی، ۱۴۰۳: ۵۵۶ و ۵۸۵؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۴۶؛ همو، ۱۴۲۷: ۱۲۲؛ ابن داود حلّی، ۱۳۸۳: ۷۷؛ علامه حلّی، ۱۴۱۷: ۳۷)، ابوالحسن علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (نجاشی، ۱۴۰۶: ۲۶۰؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۱۵۲-۱۵۳؛ علامه حلّی، ۱۴۱۷: ۱۸۷) و در نتیجه مؤید ادعای صحت سند است.

مشهور فقها به استدلال مذکور در روایت سابق، این حدیث را دالّ بر لزوم قتل دانسته (برای نمونه رک: فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۰/۴۳۵؛ طباطبایی حائری، ۱۳۷۸: ۱۵/۴۷۳؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۳۰۹/۴۱) و برای اثبات اینکه منظور از «ضرب با شمشیر» و «تفاوتی نمی کند که شمشیر بر چه قسمتی از بدن او اصابت کند» همان قتل است، به روایتی که در مورد رابطه دو مرد است، استناد جسته اند:

«سلیمان بن هلال از امام صادق علیه السلام در مورد ارتباط بین دو مرد پرسید. حضرت فرمود: اگر واقعه و نزدیکی صورت نگرفته باشد، هر یک به صد تازیانه محکوم می شوند و چنانچه نزدیکی شده باشد، لواط کننده را در حالت ایستاده با ضربتی از شمشیر مجازات می نمایند و مهم نیست که شمشیر به چه اندازه از بدنش اصابت کند. آنگاه سلیمان پرسید: آیا منظور شما از این جمله قتل بود؟ فرمود: بله» (کلینی، ۱۳۷۵: ۲۰۰/۷).

در جواب این استدلال گفته شده است: اولاً روایت سلیمان بن هلال از حیث سند ضعیف توصیف شده است (مجلسی دوم، ۱۴۰۴: ۲۳/۳۰۴) و نمی توان استدلال در بحث حاضر را بر آن متکی نمود. ثانیاً اینکه امام در روایات مجازات زنا می فرماید: «ضربه» که به معنای یک بار زدن است، به قرینه جمله «تفاوتی نمی کند که شمشیر به چه قسمتی از بدن او اصابت کند»، منظور این است که یک ضربه به او زده می شود، ولو اینکه کشته شود؛ یعنی هدف کشتن او نیست، بلکه هدف و مجازات ایراد ضربه به اوست و منجر شدن به قتل بلاشکال است؛ زیرا اگر منظور امام وجوب کشتن او بود، لزومی نداشت که کلمه «زدن» را با قید «یک بار» بیاورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۲۶۰). روایاتی که در آنها از احتمال زنده ماندن مجرم و حکم آن سؤال می شود، به روشنی

دلالت بر این برداشت دارد. علاوه بر آن، گاهی آلت قتاله ذکر می‌شود، ولی منظور خود قتل نیست (منتظری، ۱۳۵۸: ۶۳).

بنابراین، این حدیث دلالتی بر قتل ندارد و در نصوص یادشده، ذکری از قتل نیامده است؛ بلکه بر اساس ظاهر روایات باید به یک ضربه شمشیر کفایت کرد و به بیشتر از آن اشاره‌ای نشده است. تعبیر به کاررفته در حدیث به این معناست که زمانی که ضربت شمشیر به بدن زانی یا زانیه خورد، باید به همین مقدار بسنده کرد؛ خواه با این ضربه بمیرد یا نمیرد و نمی‌توان ضربه دوم را بر او وارد کرد. همان طور که در روایتی آمده است:

«آیا بعد از وارد آمدن شمشیر باید زانی یا زانیه را رها کرد؟ امام فرمود: بعد از ضربه شمشیر اگر زنده ماند، تا تمام شدن عمرش و رسیدن مرگش باید در زندان حبس شود» (طباطبایی حائری، ۱۳۷۸: ۱۵/۴۷۵).

منتظری هم می‌گوید:

«روایات شامل عبارت "تفاوتی نمی‌کند که شمشیر بر کدام قسمت بدن اصابت کند"، دلالتی بر قتل ندارند و در هر صورت، روایات گسترده‌تر از موضوع قتل هستند (منتظری، ۱۳۵۸: ۶۳).

در این مضمون، روایات دیگری هم وارد شده‌اند (ر.ک: کلینی، ۱۳۷۵: ۷/۱۹۰-۱۹۱).

۱-۱-۲. دسته دوم: روایات بیان‌کننده حکم ضرب گردن به همراه حبس ابد

دو روایت را در این دسته می‌توان جای داد:

۱-۱-۲-۱. حدیث محمد بن عبدالله بن مهران

«محمد بن یحیی از محمد بن احمد از محمد بن عبدالله بن مهران نقل نموده است که از امام صادق علیه السلام در مورد مردی پرسیدم که با خواهر خویش مرتکب زنا می‌شود. حضرت پاسخ داد: مجازات او یک ضربه شمشیر است و تفاوتی نمی‌کند که شمشیر بر چه قسمتی از بدن او فرود آید و اگر احیاناً زنده بماند، به حبس ابد محکوم می‌شود» (همان: ۷/۱۹۰؛ طوسی، ۱۳۴۹: ۲۰۸/۴؛ حرّ عاملی، ۱۹۹۴: ۱۱۶/۲۸؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۴: ۲۳/۲۸۹).

مجلسی دوم (۱۴۰۴: ۲۸۹/۲۳؛ همو، ۱۴۰۶: ۴۶/۱۶)، موسوی خوبی (۱۴۲۲: ۲۳۰/۴۱) و بسیاری دیگر از فقها هم چون قمی (۱۴۲۲: ۱۹۲)، سند روایت را ضعیف و غیر منجبر با عمل اصحاب دانسته‌اند که به دلیل وجود محمد بن عبدالله بن مهران در سند است که بسیاری از علمای علم رجال وی را غالی و فردی خارج از اعتدال در عقاید (طوسی، ۱۴۲۷: ۴۴۳ و ۵۷۱؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۹۵) و نیز کذاب (نجاشی، ۱۴۰۶: ۳۵۰؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۳۹۱) دانسته‌اند.

۱-۲-۲. حدیث عامر بن سمط

«صفوان بن مهران از عامر بن سمط نقل نموده که عامر بن سمط می‌گوید از زین العابدین سؤال کردم در مورد مردی که با خواهر خویش زنا می‌کند. حضرت فرمود: مجازات او یک ضربه شمشیر خواهد بود و تفاوتی نمی‌کند که شمشیر به کدام قسمت بدن او اصابت می‌نماید. اگر احیاناً زنده ماند، به حبس ابد محکوم می‌شود» (صدوق، ۱۴۰۳: ۲۹/۳).

وثاقت عامر بن سمط محرز نیست و نمی‌توان به حدیثش اعتماد کرد (قرشی، ۱۹۸۸: ۳۰۸-۳۰۷/۲؛ موسوی خوبی، ۱۴۰۳: ۲۰۹/۱۰؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۲۵۵). در برخی کتب روایی نیز در سلسه سند حدیث به جای «عامر»، «عمرو» نوشته شده است (صدوق، ۱۴۰۳: ۲۹/۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲۹۴/۱۵)، در حالی که در منابع رجالی، نامی از «عمرو بن سمط» وجود ندارد. صدوق این حدیث را در کتاب خود از این شخص نقل کرده و سپس گفته است عامر بن سمط در کتاب‌های شیعیان مجهول است و فقط ابن حجر عسقلانی در کتاب *التقریب و التهنید* خود نقل کرده که نزد برخی اصحاب سنی مذهب، موثق است (صدوق، ۱۴۰۳: ۲۹/۳).

هرچند ضعف سند در هر دو حدیث یادشده، بی‌اعتباری آن‌ها را موجب گشته است، اما در مقام تعارض دلالتی، این دو روایت دلیلی بر نفی دلالت جمله «ضربه به گردن با شمشیر» بر قتل هستند؛ زیرا در این حدیث، خود امام صریحاً بلافاصله و بدون پرسش فرموده اگر ضربه کاری نبود، به حبس دائم کیفر داده می‌شود و این دلالت دارد که ممکن است بعضی اوقات این ضربه به مرگ نینجامد و دلالتی بر مجازات قتل ندارد.

۱-۳. دسته سوم: روایات مشتمل بر لفظ صریح قتل

دو گروه روایت در این دسته وجود دارد:

- ۱- روایات دالّ بر وجوب سنگسار کسی که با همسر پدرش زنا کرده است^۱ (نوری طبرسی، ۱۳۷۳: ۵۸/۱۸-۵۹) و مشهور هم در این مورد، حکم به وجوب قتل نموده‌اند. این روایات علاوه بر مخدوش‌الدلالة بودن (مؤذنی بیستگانی و کبخا، ۱۳۹۹: ۲۳۲)، به این دلیل که در مورد زنا با همسر پدر صادر شده و حکم عام مجازات زنا را در این مورد تخصیص زده‌اند، حتی در فرض صحت سند و تمامیت دلالت، قابل تسری به موارد مشابه نیستند.
- ۲- در مستدرک، سه روایت مصرّح به قتل از پیامبر، امیرالمؤمنین و امام صادق علیهم‌السلام از کتاب‌های دعائم و عوالی اللثالی نقل شده‌اند^۲ (نوری طبرسی، ۱۳۷۳: ۳۳۸/۱۴ و ۵۸/۱۸-۵۹) که فاقد سند و در نتیجه فاقد اعتبارند و این ارسال و ضعف سند، مانع ورود این روایات به دایره تعارض روایات وارده است.

۱-۴. دسته چهارم: روایات بیانگر تساوی حد زانی و حد زانی با محارم

محمد بن علی بن محبوب از احمد بن محمد از حسین از صفوان بن یحیی از اسحاق بن عمار نقل کرده‌اند که ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است زمانی که مردی با محرمی از محارم خویش زنا کند، مجازات او همان حد و عقوبتی است که برای زانی وجود دارد، جز آنکه او مرتکب گناه سنگین‌تری شده است (طوسی، ۱۳۴۹: ۲۰۸/۴؛ همو، ۱۳۶۶: ۲۳/۱۰ و ۷۶؛ حرّ عاملی، ۱۹۹۴: ۱۱۵/۲۸).

سند روایت معتبر است؛ زیرا محمد بن علی بن محبوب، احمد بن محمد عیسی اشعری، حسین بن سعید اهوازی، صفوان بن یحیی بجلي، اسحاق بن عمار صیرفی و ابوبصیر اسدی همگی از بزرگان اصحاب ائمه بوده و در کتب رجالی بر وثاقت ایشان تصریح شده است (برای نمونه رک: کشی، ۱۴۰۳: ۲۳۸؛ طوسی، ۱۴۰۳: ۳۸۴/۱؛ نجاشی، ۱۴۰۶: ۲۷۵).

۱. «عنه [علی علیه‌السلام] انه رفع اليه رجل زنى بامرأة ابيه ولم يكن اخصن فامر به فرجهم»، «الجعفریات، أخبرنا عبد الله أخبرنا محمد حدثني موسى قال: حدثنا أبي عن ابيه عن جده جعفر بن محمد عن ابيه عن جده أن علياً عليه‌السلام رفع اليه رجل وقع على امرأة ابيه فرجمه وكان غير مخصن».
۲. «عن علي عليه‌السلام انه قال: من أتى ذات محرم يقتل» (ابن ابی جمهور احسانى، ۱۴۰۳: ۱۹۰/۱، ح ۲۷۵؛ نوری طبرسی، ۱۳۷۳: ۵۸/۱۸-۵۹، ح ۷؛ تمیمی مغربی، ۱۳۸۳: ۴۵۶/۲، ح ۱۶۰۵).

۴۴۱: طباطبایی حائری، ۱۳۷۸: ۴۷۵/۱۵). تنها نقطه ضعف احتمالی روایت، تردید بعضی از عالمان علم رجال در امامی بودن یا نبودن اسحاق بن عمار است که تحقیق دقیق نشان می‌دهد وی امامی بوده است (بحرالعلوم طباطبایی، ۱۳۶۳: ۳۱۵/۱؛ کلباسی، ۱۴۱۹: ۱۳۳/۲؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۱۹۲۹/۶ و ۳۷۵۷/۱۱) و بنابراین سند روایت معتبر است.

در این حدیث، زنا با محارم، یکی از مصادیق زنا و مجازاتش همان مجازات دانسته شده که تنها تفاوت بین این دو زنا در میزان بزرگی گناه زنا با محارم در مقایسه با گناه سایر اقسام زناست. بنابراین در صورتی که این حدیث مورد استناد قرار گیرد، مجازات قتل و ضرب کردن در مورد چنین فردی منتفی است.

شیخ طوسی برای جمع و توجیه این روایت با روایات پیشین گفته است که مقصود از ضرب با شمشیر، اعدام است و روایت ابوبصیر برای این نوع زنا، حد سنگسار را قرار داده است و در نهایت، سنگسار منجر به قتل می‌شود. پس این روایت با روایات دیگر تنافی ندارد و مقتضای جمع این است که امام هنگام اجرای حد، میان اعدام با شمشیر و سنگسار مخیر است (طوسی، ۱۳۴۹: ۲۰۹/۴). علامه حلی نیز نظر شیخ طوسی را پذیرفته است (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱۴۷/۹). اما این نظر خالی از ایراد نیست:

۱- این روایت فقط در مورد حد سنگسار برای زانی نیست که بتوان با برقراری تساوی میان آن و موضوع بحث، مجازات مرگ برای زانی با محرم در نظر گرفت؛ بلکه روایت کلی است و هم زنا محصنه (سنگسار) و هم زنا غیر محصنه (صد ضربه شلاق) را در بر می‌گیرد.

۲- طبق بررسی‌های پیشین، روایات سابق مجازات زانی را ضرب اعلام کرده بودند و ضرب به صورت مطلق یا ضرب کردن به معنای اعدام نیست تا به دنبال همسانی این چینی در روایات باشیم. در حالی که شیخ طوسی در این جمع، به صورت پیش فرض مجازات زانی را قتل دانسته و از این مقدمه ناصحیح به آن نتیجه و جمع رسیده است.

۳- حتی اگر منظور از مجازات زانی در این روایت سنگسار باشد، آن هم دلالتی بر لزوم کشتن مجرم ندارد و چه بسا احکامی که در خصوص فرار مجرم و جان سالم به در بردن وی از سنگسار بیان شده است که نشان می‌دهد سنگسار لزوماً منتهی به مرگ نیست.

اعراض مشهور فقهای شیعه از این حدیث و حمل آن بر تقیه، موجب مهجور ماندن مدلول روایت شده است. در حالی که اتفاقاً از میان گروه‌های روایی ذکر شده، این دسته از روایات، همسو و موافق با قرآن بوده و در مباحث تعارض روایات گفته شده است که روایات مخالف قرآن باید کنار گذاشته شود (برای نمونه ر.ک: مظفر، ۱۴۲۳: ۳/۲۵۴).

اما در عمل، بیشتر فقهای شیعه با حمل روایت بر تقیه یا به دلیل هجران اصحاب، به این حدیث عمل نکرده و به سایر روایات استدلال نموده‌اند (برای نمونه ر.ک: ایروانی، ۱۴۲۲: ۳/۲۶۹) و یا از آن در اثبات لزوم جمع میان مجازات‌ها، یعنی اجرای مجازات زنا پیش از ضرب به شمشیر و قتل استفاده نموده‌اند (برای نمونه ر.ک: ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳/۴۴۰؛ جعی عاملی، ۱۴۱۳: ۱۴/۳۶۲). در مقابل این صحیحه غیر مشهور، روایاتی که تعبیر به ضربت شمشیر نموده‌اند، از امتیاز شهرت عملی برخوردارند و به اعتقاد بسیاری از فقها، شهرت عملی با جبران ضعف روایت در هنگام تعارض با مضمون روایت دیگر (وحید بهبهانی، ۱۴۱۷: ۱۳۸-۱۵۴؛ طباطبایی حائری، ۱۳۷۸: ۲/۱۹-۲۰؛ نراقی، ۱۴۲۲: ۲/۴۰۱؛ بحرانی توبلی، ۱۲۰۳: ۱/۳۸)، موجب حجیت روایت ضعیف در مقابل روایت معارض شده و روایت معارض را از حجیت می‌اندازد (موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۱/۲۸). بسیاری از فقها با این استدلال معتقدند که در نتیجه حدیث ابوبصیر توان رویارویی با احادیث ضرب با شمشیر را ندارد و ضرب با شمشیر را باید ملاک در تعیین نوع مجازات برای زنا با محارم دانست (نجفی، ۱۹۸۱: ۴۱/۳۱۱؛ موسوی سبزواری، ۱۹۹۲: ۲۷/۲۶۷) که با حمل آن بر اراده قتل، به مجازات مرگ برای مرتکب این جرم حکم شده است. البته برخی محققان نیز در عین ارجح و حجت دانستن روایت ضرب به شمشیر، قائل به لزوم قتل نیستند (امام و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۱).

۲-۱. اجماع

هرچند فقهای از جمله شیخ طوسی (۱۳۷۷: ۵/۳۸۶) و ابن زهره حلبی (۱۳۷۷: ۴۲۱) در مقام استدلال به استحقاق مرگ زانی، اجماع را مستند فتوای خویش قرار داده‌اند، لکن باید گفت که این اجماع علاوه بر اشکال صغروی و کبروی، به دلیل مدرکی بودن فاقد حجیت و ارزش استنادی است و در نتیجه بحث از آن هم لغو خواهد بود.

۱. این ملاک مورد تصریح برخی روایات نیز هست (برای نمونه ر.ک: حرّ عاملی، ۱۹۹۴: ۱۸/۷۶ و ۲۷/۱۲۱).

۲. واکنش نظام کیفری مدرن، رویه قضایی ایران و صاحب نظران

نسبت به زنا با محارم

استفاده از حقوق کیفری و مداخله در رفتارها و امور افراد جامعه از سوی دولت‌ها، همواره بر یکی از سه معیار زیر مبتنی است:

۱- اصل نفی ضرر^۱ به معنای لزوم جلوگیری از ایراد ضرر و صدمه به دیگران و جامعه. مطابق اصل اولی آزادی، اجبار افراد و تعیین محدوده برای کنش‌های ایشان زمانی مقدور است که بتوان ثابت کرد عملی برای دیگران آسیب‌زا است. در واقع، تنها قسمتی از اعمال فرد که برای آن در مقابل اجتماع مسئول است، آن قسمت است که اثرش به دیگران می‌رسد. آزادی فرد در آن قسمت از اعمال خود که به خود او مربوط است، مطلق است و حدی بر آن متصور نیست (دلماس - مارتی، ۱۳۹۵: ۲۰۸).

۲- اصل پدرسالاری حقوقی^۲ بدین معنا که دولت برای جلوگیری از آسیب رساندن افراد به خودشان، به یک رفتار وصف مجرمانه داده و مردم را در برابر خودشان مورد حمایت و حفاظت قرار داده و بدین ترتیب به سلامتی و ایمنی در مقایسه با آزادی ایشان رتبه بالاتری از اهمیت اعطا می‌نماید (عبدالفتاح، ۱۳۸۱: ۱۵۲).

۳- اصل اخلاق‌گرایی حقوقی^۳ به معنای حمایت از اخلاق و مذهب و جلوگیری از ایراد آسیب به اخلاق یا مذهب (نجفی توانا و مصطفی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۵۱) که باعث شده است با جرم‌انگاری بخشی از مهم‌ترین مسائل اخلاقی، ضمن تحقق خواست اجتماعی، نظم اجتماعی تحت‌الحفظ قرار گیرد (اسدی و دژخواه، ۱۳۹۸: ۸۰).

مجازات مقرر برای موضوع بحث را باید به اصل اخیر نسبت داد؛ چه اینکه اساساً ارتباط جنسی با اقارب، در غالب جوامع، امری ضد اخلاقی محسوب می‌شود. برای نمونه، هرچند در قوانین فرانسه ممنوعیتی برای ازدواج خواهرزاده با دایی یا خاله و برادرزاده با عمه یا عمو وجود ندارد، اما در عمل هرگز چنین ازدواجی صورت نگرفته است؛ زیرا جامعه آن را ناپسند می‌داند (باتر و ساعدی، ۱۳۸۴: ۴۵۵-۴۵۶) و به نظر می‌رسد

1. Harm principle.
2. Legal paternalism.
3. Legal moralism.

در این موارد، نوعی تحریم و حرمت عرفی وجود دارد که حتی بدون ممنوعیت قانونی نیز به حیات خود ادامه می‌دهد (Jestaz, 1996: 387). بنابراین باید گفت جرم‌انگاری ارتباط با محارم و مجازات مرتکب آن، توجیه‌پذیر و چه بسا ضروری است.

۱-۲. دیدگاه سایر نظام‌های کیفری

در نظام حقوقی «کامن‌لا» نیز زنانی با محارم در زمره جرایم جنسی برشمرده شده است (نوبهار، ۱۳۸۹: ۲۹). حقوق‌دانان غربی معمولاً جرایم جنسی را به سه دسته تجاوز جنسی بدون رضایت، جرایم آسیب‌زا برای اطفال و عقب‌افتادگان فکری (که چون قانون رضایت آن‌ها را معتبر نمی‌داند، حتی رضایت ایشان نیز از شدت جرم نمی‌کاهد) و جرایم مخالف «معیارهای مقبول اخلاقی» تقسیم می‌کنند (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۵۰۰؛ اکرمی، ۱۳۹۵: ۵۶) که از مصادیق جرایم گروه آخر، تجاوز به محارم است (Elliott & Quinn, 2014: 132; Graupner, 2000: 23; Martin, 2014: 204) و در قوانین بسیاری از کشورها از شدت مجازات بیشتری نسبت به روابط با غیر محارم برخوردار است (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۴۶۴/۳؛ شیدائیان و نصرتی، ۱۳۹۷: ۱۷۸). از جمله در قانون مجازات فرانسه به موجب ماده ۲۲۲-۲۴، هتک ناموس به عنف، مستوجب ۱۵ سال حبس جنایی با اعمال شاقه است. اما به موجب بند ۴ ماده ۲۲۲-۲۴، هنگامی که هتک ناموس به عنف توسط یکی از والدین قانونی، طبیعی یا پدرخوانده صورت گیرد، ۲۰ سال حبس جنایی با اعمال شاقه را در پی خواهد داشت (حسینی و حیدری، ۱۳۹۰: ۱۰۷). تأثیر محرمیت در تشدید مجازات، منحصر به هتک ناموس به عنف نیست؛ بلکه سایر تهاجم‌های جنسی غیر از هتک ناموس نیز چنانچه توسط والدین قانونی طبیعی یا پدرخوانده یا مادرخوانده ارتکاب یابد، موجب می‌شود مجازات از ۵ سال حبس ساده و ۷۵ هزار یورو جزای نقدی به ۷ سال حبس ساده و ۱۰۰ هزار یورو جزای نقدی افزایش یابد (ماده ۲۲۲-۲۷ و بند ۲ ماده ۲۲۲-۲۸ ق.م.فرانسه). همین عمل چنانچه نسبت به کودک زیر ۱۵ سال صورت گیرد، موجب ۷ سال حبس ساده و ۱۰۰ هزار یورو جزای نقدی خواهد بود و اگر این عمل توسط والدین قانونی، طبیعی یا پدرخوانده صورت گیرد، ۱۰ سال حبس ساده و ۱۵۰ هزار یورو جزای نقدی به دنبال دارد (ماده ۲۲۲-۲۹ و بند ۲ ماده ۲۲۲-۳۰ ق.م.فرانسه).

لازم به ذکر است که در حقوق فرانسه، روابط جنسی صرفاً در مواردی که بدون رضایت طرف مقابل و در قالب هتک ناموس به عنف یا تهاجم جنسی صورت گیرد، وصف مجرمانه دارد و به تبع آن، روابط جنسی با محارم نیز در همین وضعیت موجب تشدید مجازات است و در غیر این صورت، روابط جنسی با محارم نیز همانند سایر موارد، کیفری در پی ندارد؛ چنان که در ماده ۲۲-۲۲۲ این قانون (مبحث سوم: تهاجم‌های جنسی) تصریح شده است: «هر تعرض جنسی ارتكابی همراه با خشونت، اجبار، تهدید یا تهییج، تهاجم جنسی به شمار می‌آید» و تهاجم جنسی به دو قسم «هتک ناموس به عنف» و «دیگر تهاجم‌های جنسی» تقسیم شده و برای مواردی که رابطه جنسی با تراضی باشد، کیفری تعیین نشده است (آقایی، ۱۴۰۰: ۱۷۶). در حالی که در قانون مجازات اسلامی، تفاوتی بین تراضی و عدم تراضی طرفین وجود ندارد و از حیث مجازات هم فقط عمل «زنا» با محارم مستوجب کیفر شدیدتر «قتل» است و در سایر موارد روابط جنسی، تفاوتی بین محرم بودن یا نبودن طرفین وجود ندارد (حسینی و حیدری، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

۲-۲. رویه قضایی ایران

سردرگمی محاکم در برخی پرونده‌های مرتبط با این موضوع و طولانی شدن سیر قانونی پرونده و تکرار نقض و ابرام آراء صادره را می‌توان قرینه‌ای بر عدم پذیرش عرفی و قانونی این حکم و یا وجود خلأ قانونی و وجود راه فرار از این حکم دانست. برای نمونه در دادنامه ۱۸۴/۴۶۸ دادگاه عمومی جزایی مشهد، پرونده تجاوز به عنف مردی به دختر ناتنی خویش علی‌رغم چهار بار اقرار متهم و دلالت نتیجه آزمایش DNA بر رابطه ابوت متهم و طفل متولدشده، در دست‌انداز نقض و ابرام شعبات متعدد دادگاه عمومی و حتی دیوان عالی قرار گرفت و در آخر به استناد دلایلی هم چون قاعده درء و... حکم به برائت صادر شد. در نمونه‌ای دیگر، دختری ۱۹ ساله به نام ل.م. به موجب حکم مورخ ۱۳۸۳/۲/۶ شعبه ۲۵ محاکم عمومی اراک در پرونده شماره ۸۳/۶۵ به جهت ۴ بار اقرار به زنا با برادرانش به اعدام محکوم شد و پرونده روندی طولانی و با تغییرات متعدد وکلا و قضات و نقض و ابرام مکرر را سپری نمود^۱ و نهادهای بین‌المللی

1. <<https://www.iransos.com/gozash/04.05/leilamafi.html>>.

و مقامات کشورهای دیگر از جمله وزیر امور خارجه دانمارک نیز خواستار توقف حکم اعدام متهمه شدند^۱ و وکلای وی به دلایلی از جمله عدم رضایت وی به عمل انجام شده و قاعده درء، خواستار نقض حکم اعدام بودند. در این پرونده‌ها به عنوان نمونه‌ای از هزاران پرونده، مشاهده می‌شود که راه‌های اثباتی در بسیاری مواقع به قاعده درء ختم می‌شود و یا به دلیل اشدیت مجازات تعیین شده و در واقع دوران امر میان اعدام و برائت (و عدم وجود حد وسط) به ضمیمه عدم تمایل قضات به صدور حکم اعدام، علی‌رغم اثبات جرم، مفری یافت گردیده و حکم برائت صادر می‌شود. همچنین در بسیاری از موارد تجاوز برادر به خواهر، سن کم زانی و تطبیق موضوع با تبصره ۲ ماده ۶۵۸ ق.م.ا. موجب تبرئه وی می‌گردد؛ زیرا این احتمال وجود دارد که بزه‌دیده و بزه‌کار، ماهیت عمل انجام‌یافته یا حرمت عمل را به لحاظ سن کم درک نکرده باشند (اسپانلو و کلانتری، ۱۳۹۹: ۲۰۶). ساقط شدن ولایت پدر پس از اثبات جرم نیز یکی از موانع بسیار مهم پیش روی قضات در محکوم نمودن پدر متجاوز است (رزمان، ۱۳۹۵: ۸۶). حکم به اعدام پدر که در بسیاری از خانواده‌های ایرانی نان‌آور خانواده است، منجر به بی‌سرپرست شدن و فقر خانواده و یا بی‌سرپرست ماندن بزه‌دیده‌ای که با پدرش زندگی می‌کرده و دچار این آسیب از سوی پدر شده است، می‌گردد و غالباً قضات را در صدور حکم اعدام دچار چالش می‌کند. فقدان تعامل مناسب و همکاری نکردن سازمان‌های حمایتی مرتبط نیز از موانع صدور حکم اعدام است. در واقع، عواقب حکم سنگین اعدام برای خانواده، غالب بزه‌دیدگان و خانواده‌های مطلع را به سکوت و عدم گزارش و شکایت (خسروی، ۱۳۹۷: ۹۸)^۲ و نیز بسیاری از قضات را به حکم به برائت ناچار می‌نماید. گاهی نیز ابهام

1. <<https://www.radiofarda.com/a/292487.html>>.

۲. لیلا ۲۴ ساله از یک خانواده متوسط که از حدود ۹ سالگی آزارهای جنسی پدرش را تحمل کرده بود و علی‌رغم همه این مشکلات توانسته بود وارد دانشگاه شود، می‌گوید: «خیلی با خودم کلنجار رفتم، بارها می‌خواستم به پلیس زنگ بزنم یا پیش وکیل بروم، اما دلم برای مادر و خواهر و برادرانم می‌سوخت و منصرف می‌شدم و کارهایش را تحمل می‌کردم، اما دیگر نتوانستم». زینب ۱۷ ساله می‌گوید: «مادرم دو سال است که از این جریان خبر دارد، قرص اعصاب می‌خورد، اما التماس می‌کرد که به کسی نگویم، چون هر دویمان را اعدام می‌کنند و بدبختی‌هایمان بیشتر می‌شود». ترس از اعدام و مسکوت گذاشتن واقعه تجاوز مخصوصاً در تجاوزات برادر به خواهر شدیدتر نیز هست؛ زیرا والدین به خاطر هراس از اعدام فرزندانشان مانع شکایت و علنی کردن موضوع می‌شوند.

و نبود ضابطه مشخص برای تشخیص شاکی، موجب انتفاء رأی نهایی به محکومیت می‌گردد؛ برای نمونه، در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۲۰۰۴۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۰۷ صادره از شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر تهران، هرچند دادگاه بدوی متهمان را به دلیل شکایت همسایه‌ها بر ارتکاب روابط نامشروع محکوم نموده بود، اما شعبه مذکور به دلیل عدم وجود شاکی خصوصی، متهمان را تبرئه نمود.

در کنار همه این‌ها، دشواری اثبات این جرم (شهادت چهار مرد عادل که تقریباً ناممکن است و معمولاً این جرم در خفا روی می‌دهد، چهار بار اقرار نیز که غالباً مجرم با راهنمایی اطرافیان می‌فهمد که نباید اقرار کند) در بسیاری موارد به تبرئه متهم می‌انجامد. حتی طریق کارشناسی و پزشکی قانونی نیز حداکثر تا ۷۲ ساعت می‌تواند انتساب را معلوم کند، ولی قربانیان تجاوز به محارم معمولاً بلافاصله به مراجع انتظامی یا قضایی مراجعه نمی‌کنند و در بسیاری موارد نیز قضات به دلیل احتراز از جریحه‌دار شدن عفت عمومی و ترس از شکستن قبح آن، سعی می‌کنند با سد کردن راه‌های ممکن برای اثبات، تصویری بسیار منزله از خانواده مقدس و جامعه اسلامی نمایش داده شود. در همه این موارد، اولاً بزه‌دیده عملاً با بی‌اعتنایی قانون نسبت به آسیبی که متحمل شده است، مواجه می‌شود و ثانیاً رها شدن بزه‌کار از بند قانون، در معرض خطر قرار گرفتن بزه‌دیده و حتی دیگران را موجب می‌گردد (جوان‌جعفری و شاهیده، ۱۳۹۳: ۵۳؛ رایجیان اصلی، ۱۳۹۶: ۱۵۹). کثرت وقوع این جرم در جامعه نیز نشان می‌دهد که تعیین چنین مجازاتی در تحقق هدف بازدارندگی مجازات‌ها کارایی چندانی نداشته است و علی‌رغم تقنین حکم اعدام، در عمل، قبح آن‌چنانی از سوی مرتکبان احساس نمی‌شود و عملاً به طرق قانونی، راه اعمال این حکم مسدود شده است.

لازم به ذکر است که در ارتباط با پرونده‌های زنای با محارم در کشور، هیچ‌گاه آماری منتشر نشده و صرفاً در بیانات پراکنده برخی مرتبطان به این حوزه، اشاراتی صورت گرفته است؛ برای نمونه در یکی از روزنامه‌های کشور، به نقل از رئیس انجمن آسیب‌های اجتماعی، تشکیل ۴۰۰۰ پرونده تجاوز برادر به خواهر و ۱۲۰۰ پرونده تجاوز پدر به دختر گزارش شده است که به گفته برخی جامعه‌شناسان، تنها مشتکی از نمونه خروار و غیر از هزاران موردی است که هرگز گزارش نشده‌اند (زارعی محمودآبادی، ۱۳۹۶: ۳۰۶).

در واقع، غالب موارد سوءاستفاده‌های جنسی از محارم به دلایل گوناگونی مانند در خفا انجام شدن و وجود رابطه خویشاوندی یا دوستی بین مجرم و قربانی، اساساً گزارش نمی‌شود (مالجو، ۱۳۸۸: ۱۰۳؛ متولیان، مالجو و فتحی، ۱۳۹۱: ۴۷). قتل پسر جوانی به نام صادق در سال ۱۳۹۲ توسط همسر صیغه‌ای خواهرش با این استدلال که مقتول در سال‌های پیش به خواهر خود تجاوز کرده بوده و دختر به دلیل اینکه خانواده از هم نپاشد، آن را مخفی کرده است، مثالی برای این مطلب است.^۱ اما به هر حال نمونه‌هایی از این واقعه را می‌توان در اخبار یافت.^۲

علاوه بر همه این موارد، نارسایی قانونی سبب شده است در بسیاری از مواردی هم که گزارش می‌شود، با وجود چالش‌های عرفی، قضایی و خانوادگی، ضعف حمایتگری قانونی و روانی از آسیب‌دیده و برچسب‌زنی‌های بعد از آن، مراجعه‌کننده دچار پشیمانی گردد (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۵)؛ چنان که بزه‌دیده تجاوز موضوع دادنامه شماره ۴۲۲ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۵ شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان گلستان، مبادرت به خودکشی منجر به فوت نموده است.

لازم به ذکر است که بر اساس بندهای الف و ب ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴، چنانچه زنا با محارم با عنف و تهدید صورت می‌گرفت یا در صورت عدم عنف و تهدید و چنانچه زانیه بین ۱۵ تا ۱۸ سال سن داشت، مجازات مرتکب عبارت بود از حبس ابد با اعمال شاقه (جوانمرد، ۱۳۹۵: ۳۹؛ چلبی، ۱۳۹۰: ۲۱۵). همچنین بر اساس بند ج، چنانچه زنا با محارم از روی رضایت بود و زن بیش از ۱۸ سال سن داشت، مجازات هر کدام ۱۰ تا ۱۵ سال حبس با اعمال شاقه بود. اما در قوانین مجازات اسلامی سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲، نظر به اینکه مقدمه قانون اساسی به قانون‌گذار

1. <<https://gilkhabar.ir/182769>>.
2. <<https://www.talab.org/news/events/پدری-دختر>>;
<<https://www.jamaran.news/fa/tiny/news-1197213>>;
<<https://www.rokna.net/fa/tiny/news-689059>>;
<<https://www.didarnews.ir/fa/news/22480>>;
<<https://www.isna.ir/news/1400013118564>>;
<<https://www.borna.news/fa/tiny/news-911295>>;
<<https://fararu.com/fa/news/393678>>.

تکلیف کرده که ضابطه‌های مدیریت اجتماعی بر مبنای قرآن و سنت را رعایت کند و اصل دوم این قانون نیز حکومت را بر پایه ایمان به خدای یکتا و وحی الهی استوار دانسته است، توجه به اجتهاد مستمر فقهای عظام در تدوین قوانین به ویژه قانون مجازات، ضروری دانسته شده است (یوسفوند و محمدی مقدم، ۱۳۹۷: ۱۸۶؛ شیدائیان، ۱۳۹۷: ۱۲۵). به همین دلیل به پیروی از فقه، زنا با محارم نسبی، مستوجب قتل شناخته شده است. رضایت یا عدم رضایت مفعول در رابطه واقع شده صرفاً در اثبات و نفی مجازات خود وی اثرگذار است و تأثیری در حکم اعدام زانی ندارد.

۲-۳. ایرادات وارد بر مجازات قتل زانی با محارم

قانون‌گذار ایران بر خلاف نظام‌های حقوقی دیگر که گذشت، تنها در عمل «زنا»، «با محارم» بودن را مستوجب کیفر شدیدتر «قتل» دانسته و در سایر موارد روابط جنسی، تفاوتی بین محرم بودن یا نبودن طرفین قائل نشده است (حسینی و حیدری، ۱۳۹۰: ۱۱۵). همچنین علی‌رغم اینکه تلاش قانون‌گذار در تعیین مجازات، انطباق مقررات بر احکام شرعی بوده است، به نظر می‌رسد در تعیین مجازات اعدام برای زانی با محارم، این مقصد به درستی محقق نشده و این مقرر به بدون توجه به دیگر فتاوای موجود، در قانون مجازات جانمایی شده است. در حالی که قانون‌گذار نمی‌تواند صرفاً با انعکاس یک فتوای فقهی در متن قانون و بدون توجه به فتاوای مخالف که ممکن است با شرایط زمانی و مکانی فعلی سازگارتر باشند، مدعی اسلامی کردن قوانین باشد (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۲۲۰؛ کلارکسون، ۱۳۷۱: ۲۲۵). توجه به این مهم نیز ضروری است که کاربرد و اثر مجازات، منوط به اجرای کامل آن است و اصل قطعیت و حتمیت مجازات‌ها، یکی از اصول شناخته‌شده می‌باشد و جمله مشهور «وقتی گریز از کیفر محال باشد، ملایم‌ترین رنج‌ها نیز روح بشر را متوحش می‌سازد» (بکاریا، ۱۳۶۸: ۹۹)، نشان‌دهنده اهمیت این موضوع است. در مقابل، اگر جرم‌انگاری و تعیین مجازات بر مبنای اصول مبرهن شکل نگرفته باشد، این ضعف و تزلزل و تشویش ذهن قانون‌گذار در مرحله اجرای مجازات نمایان می‌گردد (حیدری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۶؛ رستمی و قربان‌پور، ۱۳۹۹: ۱۵۷). این اتفاق را می‌توان با نگاهی به ماده ۱۷۳ ق.ا.م.ا. که انکار پس از اقرار را در

جرایم حدی مستوجب رجم و قتل پذیرفته و آن را یکی از اسباب سقوط مجازات می‌داند، در مورد مجازات اعدام برای زانی با محارم مشاهده نمود که قانون‌گذار از سویی شدیدترین مجازات را برای این عمل مقرر نموده و از سوی دیگر به راحتی راه فرار مجرم را در اختیار وی قرار داده است. علاوه بر آن، با توجه به اینکه مجتهد معتقد به اجتهاد پویا باید قادر باشد ضمن تقید به محکومات، به مقتضای روز اندیشیده، به زبان روز سخن گفته و مشکلات حقوقی جامعه را برطرف نماید. مقتضیات زمان و مکان و انتقادهای برآمده از دیدگاه‌های حقوق بشری،^۱ بازنگری در برخی احکام فقهی مبنای مجازات‌ها از جمله حکم موضوع بحث را ضروری می‌سازد (رضائی، ۱۳۷۷: ۱۲۱). برای نمونه می‌توان به قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل در محکومیت «نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران» در قطعنامه شماره GA/10801 69-54-57 آبان‌ماه ۱۳۸۸^۲ با رأی ۷۴ و در قطعنامه شماره GA/SHC/4339 آبان‌ماه ۱۴۰۰^۳ با رأی اشاره کرد که مشخصاً یکی از موارد ابرازشده در آن‌ها، نگرانی این سازمان در خصوص کثرت مجازات اعدام در ایران است. سازمان عفو بین‌الملل نیز با ابراز نگرانی، افزایش اعدام در ایران را دلیل اصلی افزایش بیست درصدی آمار جهانی اعدام دانسته و اعلام کرد ۵۴ درصد اعدام‌های سال ۲۰۲۱ در ایران صورت گرفته است. این نکته نیز نباید مغفول واقع شود که امروزه هدف اصلی در حقوق جزا، اصلاح بزهکار و برخورد با او به مثابه یک بیمار است (Hart, 1958: 408; Baker, 2016: 165) و به همین علت، مجازات قتل که سبب حذف مرتکب از صحنه جامعه می‌گردد، باید تنها در مواردی به اجرا درآید که دیگر هیچ امیدی به اصلاح بزهکار وجود نداشته باشد؛ چنان‌که افلاطون معتقد بود اعدام باید تنها در مواردی اعمال شود که مجرم اصلاح‌ناپذیر است (Hood, 2022).

علاوه بر همه این‌ها، زانی با محارم از این حیث که یکی از مصادیق اصلی خشونت علیه زنان محسوب می‌شود - و به قول یکی از نویسندگان: «آشنایان و عاشقان زنان برای

1. <<https://www.un.org/en/about-us/universal-declaration-of-human-rights>>.
2. <<https://undocs.org/en/A/RES/63/191>>.
3. <<https://www.un.org/press/en/2021/gashc4339.doc.htm>>.

آن‌ها خطرناک‌تر از بیگانگان در خیابان هستند» (Edward, 2002: 18).- نیز نیازمند واکاوی از نگاه علوم مختلف حقوق، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و... است که خود تحقیقی مستقل و وسیع می‌طلبد. لکن باید توجه نمود که انحصار مجازات بزهکار به اعدام و در نتیجه دوران امر بین برائت و اعدام و عدم وجود حد وسط و مجازات‌های تعدیل‌شده دیگر، مخالف نگاه حمایتی به زنان جامعه و با توجه به پیش‌گفته‌ها، در معرض خطر بیشتر قرار دادن ایشان است که خود مؤیدی دیگر بر لزوم بازنگری در این مقررۀ قانونی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

ماده ۲۲۴ قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از نظر غالب فقها، زانی با محارم را یکی از مستحقان مجازات اعدام دانسته است. در سطور گذشته، عمده مستندات این حکم بازخوانی و ملاحظه شد که علی‌رغم اتحاد نظر غالب فقها در استحقاق مرگ زانی با محارم، ادله وارده در این خصوص دارای مضامین و محتوای پراکنده بوده و بسیاری از حیث اصالت صدور، از اعتبار پایینی برخوردارند. با توجه به اینکه قرآن، ۱- در این موضوع به خصوص، تصریح به حکم خاصی ندارد، ۲- به صورت مطلق، مجازات زناکار را شلاق اعلام کرده است، ۳- مجازات کنیز زناکار را نصف مجازات زن آزاد در همین جرم دانسته است، برداشت حکم از روایات وارده نیازمند دقت نظر و توجهی ویژه است؛ به خصوص اینکه باید روایات وارده از چنان قوت و استحکامی برخوردار باشند که توانایی تخصیص عموماً قرآنی را داشته و بتوانند آن‌ها را محدود نمایند. همچنین حکم به نصف بودن مجازات کنیز در آیه شریفه ۲۵ نساء، این سؤال را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که نصف مجازات قتل چگونه اجرا می‌شود و آیا اساساً قابلیت اجرا دارد؟ در حالی که اگر مجازات چنین مجرمی، همان «صد ضربه» که قرآن فرموده می‌بود، به راحتی نصف آن در مورد کنیز اجرا می‌گشت. نباید فراموش نمود که در طلب تعیین تکلیف اصحاب ائمه در تحیر میان روایات متعارض، بارها امام معصوم اولین ملاک عدم پذیرش و ردّ روایت را مخالفت با قرآن اعلام نموده است. بنابراین باید گفت که در مقام تعارض، آن دسته از روایاتی که مجازات زانی با محارم را

همان مجازات عام زنا اعلام می‌دارند، علی‌رغم هجران اصحاب از مضمون آن، به جهت موافقت با کتاب شریف، مرجح بر بقیه روایات بوده و روایات مخالف این حکم از اعتبار ساقط می‌گردند؛ به ویژه اینکه در کلام فقها برای اعراض از مضمون این روایات، دلیل قانع‌کننده‌ای به چشم نمی‌آید.

در کنار همه این‌ها باید حساسیت و دقت نظر فراوان اسلام در مسئله حرمت خون مسلمان و لزوم رعایت جوانب احتیاط در این موضوع را مورد توجه قرار داد و این نکته را مدنظر داشت که صدور حکم به جواز ریختن خون مسلمان، نیازمند ادله و حجج بسیار محکم و دارای قوت بالاست که توان تخصیص ادله حرمت خون را داشته باشد و نمی‌توان با استناد به روایاتی که معارضاتش هم کم نیست، حکم به این تخصیص نمود و چنین مجوزی صادر کرد. حتی نزد آن فقهای که این دسته از روایات را کنار نهاده‌اند نیز با توجه به بی‌اعتباری سندی روایات دال بر قتل، با کنار هم قرار دادن روایات ضرب به شمشیر و روایات حبس در صورت زنده ماندن، باید در حمل «ضرب به شمشیر» بر لزوم کشتن مجرم تجدیدنظر نموده و در استناد فتوا، به تخصیص اولی حرمت خون مسلمان و عموماً تعیین مجازات زنا با روایاتی این‌چنینی که علاوه بر اسناد نه چندان مطمئن، دارای معارضات متعدد هستند، تردید جدی و تأملی تازه روا دارند. همچنین علی‌القاعده قبح شدید عقلایی چنین کنشی، اخراج آن از دایره اصل لزوم تناسب جرم و مجازات را سبب نشده و نمی‌توان بدون دلیل متقن، مرتکب فعل قبیحی را مستحق مرگ دانست. علاوه بر موارد پیش گفته، تعارضات متعدد این حکم با سایر اصول و اهداف حقوق جزا، مانند اصل قطعیت و حتمیت مجازات‌ها و تعریف هدف «درمان مجرم به مثابه بیمار به جای آزار» برای جعل مجازات و مورد هجمه شدید جامعه جهانی و انتقادات حقوق بشری نظام بین‌الملل قرار گرفتن احکام این‌چنینی و بالمآل اصل دین اسلام که در واقع آیین رحمت و عطف و مؤسس آن به تصریح قرآن «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/۱۰۷) است، تردید در این حکم را به دنبال می‌آورد.

به علاوه، بنا به تجربه، مجازاتی که باید یکی از مهم‌ترین ضمانت‌های تأمین فوری امنیت برای قربانیان سوء رفتارهای جنسی باشد، نه تنها تا کنون قادر به بازپروری مجرمان و تأمین امنیت برای قربانیان چنین سوء رفتارهای جنسی نبوده است، بلکه فقط می‌تواند

به برانگیختن هر چه بیشتر خشم و خشونت و یا پنهان نگاه داشتن و پرهیز زنان از واکنش فعال نسبت به این گونه آزارها منجر شود. این قوانین کیفری کاملاً جنبه تنبیهی دارد و حاوی برنامه‌هایی تربیتی نیست که مثلاً بتواند آموزش لازم را برای مجرمان جهت رفتار صحیح در خانواده فراهم کند. باید در میزان این مجازات‌ها و تأثیر عملی آن‌ها بازنگری، و مجازات‌های دیگر از قبیل زندان جایگزین اعدام شود تا در عمل تأثیر بیشتری داشته باشد. البته مشروط به آنکه زندان را مکانی بدانیم که به فرد مجرم فرصتی می‌دهد تا با استفاده از ابزارهای اصلاحی به بازپروری خود پردازد که یقیناً در کنار آن باید سایر سازمان‌ها نیز اقدامات حمایتی لازم را انجام دهند و این خلأ عدم کنش‌های متقابل بین سازمانی برطرف شود؛ چرا که مسئله تجاوز صرفاً یک مسئله حقوقی نیست، بلکه یک مشکل اجتماعی است که نظام حقوقی به تنهایی قادر به حل آن نمی‌باشد. بنابراین با عنایت به اثبات مخدوش بودن دلایل این حکم فقهی در سطور سابق، لازم است قانون‌گذار به بازنگری این حکم اقدام نماید. برآورد موارد یادشده، تقویت احتمال عدم توجه قانون‌گذار به سیاست‌های کلان جنایی در موضوع مورد بحث است که آسیب‌شناسی چنین رویه‌ای خود مجالی وسیع می‌طلبد.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. آقایی، مهدی، رسیدگی به جرایم منافی عفت (با نگرشی کاربردی)، تهران، قوه قضاییه، ۱۴۰۰ ش.
۳. ابن ابی‌جمهور احسایی، محمد بن زین‌الدین علی بن ابراهیم، *عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه*، قم، دار سیدالشهداء ع، ۱۴۰۳ ق.
۴. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد، *السرائر الحاووی لتحریر الفتاوی*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۵. ابن براج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز بن نحریر، *المهذب فی الفقه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۶. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، *الوسیله الی نیل الفضیله*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق.
۷. ابن داود حلی، تقی‌الدین حسن بن علی، *کتاب الرجال (رجال ابن داود)*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش.
۸. ابن زهره حلبی، سیدحمزه بن علی حسینی، *غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع*، قم، مؤسسه امام صادق ع، ۱۳۷۷ ش.
۹. ابن سعید حلی، یحیی، *الجامع للشرائع*، قم، مؤسسه سیدالشهداء العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۱۰. ابن غضائری، احمد بن حسین بن عبیدالله بن ابراهیم ابی‌الحسین واسطی بغدادی، *الرجال لابن الغضائری*، تهران، دار الحدیث، ۱۴۲۲ ق.
۱۱. ابن فارس، ابوالحسین احمد، *معجم المقانیس فی اللغة*، چاپ دوم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۸ ق.
۱۲. ابوصلاح حلبی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین، *الکافی فی الفقه*، تصحیح رضا استادی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین ع، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. اسپانلو، محمود، و کیومرث کلانتری، «جبران خسارت بزه‌دیده مدعی تجاوز جنسی پس از تبرئه متهم در حقوق ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال هشتاد و چهارم، شماره ۱۱۰، تابستان ۱۳۹۹ ش.
۱۴. اسدی، لیلیاسادات، و علی دژخواه، *حقوق کیفری خانواده*، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۹۸ ش.
۱۵. اکرمی، روح‌الله، «عنصر عنف در زنا از منظر فقه، حقوق جزای ایران و انگلیس»، *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، سال سوم، شماره ۱ (پیاپی ۷)، بهار ۱۳۹۵ ش.
۱۶. امام، سیدمحمدرضا، سیدمحمد حسینی، و سیدمحمود هل‌اتانی، «بازخوانی ادله مشروعیت اعدام در زنا با محارم»، *فصلنامه فقه و اصول*، سال چهل و هشتم، شماره ۱۰۵، تابستان ۱۳۹۵ ش.
۱۷. ایروانی، محمدباقر، *دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری*، قم، مؤسسه الفقه، ۱۴۲۲ ق.
۱۸. باتر، انیک، و سیدامید ساعدی، «ممنوعیت رابطه جنسی بین محارم»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، سال هشتم، شماره ۴۱، تابستان ۱۳۸۴ ش.
۱۹. باشگاه خبرنگاران جوان، «شوک تکان‌دهنده تجاوز به محارم»، ۱۳۹۵ ش.، قابل دسترسی در وبگاه: <https://www.yjc.ir/fa/news/5715274>.
۲۰. بحرالعلوم طباطبایی، محمدمهدی بن مرتضی، *رجال السید بحرالعلوم، المعروف بالفوائد الرجالیه*، تهران، مکتبه الصادق، ۱۳۶۳ ش.
۲۱. بحرانی توبلی، سیدهاشم بن سلیمان، *تنبیهاث الاریب فی رجال التهنذیب*، نسخه خطی، بی‌جا، بی‌نا، ۱۲۰۳ ق.
۲۲. بکاریا، سزار، *رساله جرایم و مجازات‌ها*، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۸ ش.

۲۳. تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر، *مختصر المعانی*، قم، دار الفکر، ۱۳۷۶ ش.
۲۴. تمیمی مغربی، قاضی ابوحنیفه نعمان بن محمد بن منصور، *دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام*، چاپ دوم، قاهره، دار المعارف، ۱۳۸۳ ق.
۲۵. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. جوان جعفری، عبدالرضا، و فرهاد شاهیده، «نقش زنان بزه دیده در ارتکاب جرایم جنسی»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، سال دوم، شماره ۷، تابستان ۱۳۹۳ ش.
۲۷. جوانمرد، بهروز، «رویه های قضایی و نظریه های مشورتی پیرامون جرم رابطه نامشروع»، *دوفصلنامه رویه قضایی (حقوقی کیفری)*، سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.
۲۸. چلبی، ارژنگ، «تحلیل حقوقی - جرم شناختی تجاوز به عنف»، *آموزه های حقوق کیفری*، سال هشتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ش.
۲۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۴ م.
۳۰. حسینی، سیدمحمد، و علی مراد حیدری، «تأثیر خویشاوندی در جرم زنا»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (فصلنامه حقوق سابق)*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال چهل و یکم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰ ش.
۳۱. حیدری، فریبرز، حسن شاه ملکپور، و عباس سلمان پور، «تحولات تقنینی جرم زنا در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال نهم، شماره ۱ (پیاپی ۱۷)، بهار و تابستان ۱۳۹۷ ش.
۳۲. خسروی، خلیل، *جرایم جنسی علیه زنان در عرصه بین المللی*، تهران، قانون یار، ۱۳۹۷ ش.
۳۳. خوانساری، سیداحمد بن یوسف، *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*، چاپ دوم، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۵۵ ش.
۳۴. درویش، محیی الدین، *اعراب القرآن الکریم و بیانه*، بیروت، دار ابن کثیر، ۲۰۱۴ م.
۳۵. دلماش - مارتی، می ری، *نظام های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۳۶. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، مرتضوی، ۱۴۱۲ ق.
۳۷. رایجیان اصلی، مهرداد، *بزه دیده شناسی (تحولات بزه دیده شناسی و علوم جنایی)*، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۶ ش.
۳۸. رزمان، علی، *بررسی کیفری جرائم جنسی و منافی عفت با نگاهی بر فضای سایبر*، تهران، قانون یار، ۱۳۹۵ ش.
۳۹. رستمی، هادی، و ناصر قربان پور، «ادارسی اختصاری در جرایم جنسی (چالش ها و راهکارها)»، *مجله پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی*، سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ش.
۴۰. رضائی، حسن، «نقش مقتضیات زمان و مکان در حقوق کیفری اسلامی»، *دوفصلنامه دین و ارتباطات*، سال چهارم، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۷ ش.
۴۱. زارعی محمودآبادی، مهدی، «واکاوی بزه پوشی در قوانین کیفری ایران»، *مطالعات حقوقی*، سال دوم، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۶ ش.
۴۲. زحیلی، وهبه بن مصطفی، *الفقه الاسلامی و ادلته*، دمشق، دار الفکر، ۱۴۰۴ ق.

۴۳. سلار دیلمی، ابویعلی حمزة بن عبدالعزيز، *المراسم العلویة والاحکام النبویه*، قم، المعاونة الثقافية للمجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ ق.
۴۴. سلیمانی، حسین، «حدود شرعی در پرتو اصل قانونمندی قوانین کیفری، با نگاهی تطبیقی به فقه شیعه و اهل سنت»، *دوفصلنامه حقوق تطبیقی*، سال هفتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ش.
۴۵. سید مرتضی علم الهدی، علی بن حسین موسوی، *الانتصار فی انفرادات الامامیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۹۹۴ م.
۴۶. شامیاتی، هوشنگ، *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص)*، چاپ دوم، تهران، مجلد، ۱۳۹۷ ش.
۴۷. شبیری زنجانی، سیدموسی، *کتاب نکاح*، قم، رای پرداز، ۱۴۱۹ ق.
۴۸. شیدائیان، مهدی، و زینب شیدائیان، «رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به جرایم منافی عفت»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال هشتاد و دوم، شماره ۱۰۱، بهار ۱۳۹۷ ش.
۴۹. شیدائیان، مهدی، و یزدان نصرتی، «شناسایی و چالش‌های تعقیب کیفری با نگاهی به حقوق انگلستان»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، سال بیست و سوم، شماره ۸۲، تابستان ۱۳۹۷ ش.
۵۰. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، *المقنع*، قم، مؤسسه امام هادی علیهم السلام، ۱۴۱۵ ق.
۵۱. همو، *عیون اخبار الرضا علیهم السلام*، تهران، جهان، ۱۴۰۳ ق.
۵۲. طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمدعلی، *ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۳۷۸ ش.
۵۳. طبرسی، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، *المؤتلف من المختلف بین ائمة السلف*، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۵۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۴۹ ق.
۵۵. همو، *العدة فی اصول الفقه (عدة الاصول)*، قم، بی نا، ۱۴۰۳ ق.
۵۶. همو، *الفهرست*، تحقیق عبدالعزیز طباطبایی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ ق.
۵۷. همو، *تهذیب الاحکام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ ش.
۵۸. همو، *رجال الطوسی*، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۷ ق.
۵۹. همو، *کتاب الخلاف فی الفقه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۶۰. عبدالفتاح، عزت، «جرم چیست و معیارهای جرم‌انگاری کدام است؟»، ترجمه و توضیح اسماعیل رحیمی نژاد، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۸۱ ش.
۶۱. علامه حلی، ابومنصور جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال (رجال العلامة الحلی)*، قم، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ ق.
۶۲. همو، *قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق. (الف)
۶۳. همو، *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق. (ب)
۶۴. فاضل آبی، زین‌الدین حسن بن ابی‌طالب یوسفی، *کشف الرموز فی شرح المختصر النافع*، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۶۵. فاضل مقداد، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله سیوری حلی، *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

۶۶. فاضل هندی، بهاء‌الدین محمد بن حسن اصفهانی، *کشف اللثام والابهام عن قواعد الاحکام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۶۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرانی، قم، دار الهجره، ۱۴۰۵ ق.
۶۸. قرشی، باقر شریف، *حیة الامام زین العابدین؛ دراسة وتحلیل*، بیروت، دار الاضواء، ۱۹۸۸ م.
۶۹. قهپایی، عنایة‌الله علی، *مجمع الرجال*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۷ ش.
۷۰. کشتی، ابوعمر و محمد بن عمر بن عبدالعزیز، *اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشتی*، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۰۳ ق.
۷۱. کلارکسون، کریستوفر ام، *تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی*، ترجمه و توضیح حسین میرمحمدصادقی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۱ ش.
۷۲. کلباسی، ابوالهدی، *سماة المقال فی علم الرجال*، قم، مؤسسه ولی العصر (عج) للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۹ ق.
۷۳. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الحدیث، ۱۳۷۵ ق.
۷۴. مالجو، محسن، «تجاوز به محارم: زمینه‌ها، استراتژی‌های متجاوز و واکنش‌های بزه‌دیده»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال نهم، شماره ۳۴، پاییز ۱۳۸۸ ش.
۷۵. متولیان، علی محمد، محسن مالجو، و مهدی فتحی، *کودک‌آزاری*، تهران، رنگین قلم، مؤسسه نوپژوه، ۱۳۹۱ ش.
۷۶. مجلسی اول، محمدتقی بن مقصودعلی، *الوجیزة فی الرجال*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۰ ق.
۷۷. همو، *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، چاپ دوم، قم، کوشانپور، ۱۴۰۶ ق.
۷۸. مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۷۹. همو، *ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاخبار*، قم، کتابخانه آیة‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق.
۸۰. محقق حلّی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن، *شراعیة الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۸۱. مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۴۲۳ ق.
۸۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، *المقنعه*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۸۳. مکارم شیرازی، ناصر، *انوار الفقاهة (کتاب الحدود و التعزیرات)*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب (عج)، ۱۳۷۷ ش.
۸۴. منتظری، حسینعلی، *الحدود فی مباحث الزنا و اللواط و السحق و القیاده*، قم، دار الفکر، ۱۳۵۸ ش.
۸۵. مؤذنی بیستگانی، حمید، و محمدرضا کیخا، «ارزیابی انتقادی مستندات حکم اعدام در زنا با همسر پدر (بند ب ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، *آموزه‌های حقوق کیفری*، سال هفدهم، شماره ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش.
۸۶. موسوی بجنوردی، محمد، «آیا سنگسار واقعاً یک حکم اسلامی است» (مصاحبه)، ۱۳۸۶/۵/۷ ش.
- قابل دستیابی در وبگاه عصر ایران به نشانی: <https://www.asriran.com/fa/news/22589>.
۸۷. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *تحریر الوسیله*، قم، اسلامی، ۱۳۷۴ ش.

۸۸. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *مبانی تکملة المنهاج*، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۲ ق.

۸۹. همو، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، بیروت، الثقافة الاسلامیة فی العالم، ۱۴۰۳ ق.

۹۰. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، *مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام*، قم، دفتر معظم له، ۱۹۹۲ م.

۹۱. میر محمد صادقی، حسین، *حقوق کیفری اختصاصی ۱؛ جرایم علیه اشخاص*، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۴۰۰ ش.

۹۲. نجاشی اسدی کوفی، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس، *رجال النجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعه)*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ ق.

۹۳. نجفی، محمد حسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.

۹۴. نجفی توانا، علی، و فهیم مصطفی زاده، «جرم انگاری در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، سال پنجم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش.

۹۵. نراقی، میرزا ابوالقاسم، *شعب المقال فی درجات الرجال*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۲ ق.

۹۶. نوبهار، رحیم، *اهداف مجازات ها در جرایم جنسی؛ چشم اندازی اسلامی*، قم، علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ ش.

۹۷. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۳۷۳ ش.

۹۸. وحید بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، *حاشیة مجمع الفائدة و البرهان*، قم، مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۱۷ ق.

۹۹. یوسفوند، مهدی، و یحیی محمدی مقدم، *جرایم جنسی از دیدگاه جرم شناسی و فقه امامیه*، تهران، مدید، ۱۳۹۷ ش.

100. Baker, Dennis J., "The Right Not to be Criminalized. Demarcating Criminal Law's Authority", London, Routledge, 2016.

101. Edward, Robyn, *Violence Against Women and Crime Prevention*, University of Sydney, 2002.

102. Elliott, Catherine & Frances Quinn, *Criminal Law*, 10th Ed., England, Pearson Education Limited, 2014.

103. Graupner, Helmut, "Sexual Consent, The Criminal Law in Europe and Outside of Europe", *Journal of Psychology & Human Sexuality*, Vol. 29(5), 2000.

104. Hart, Henry M., Jr., "The Aims of the Criminal Law", *Law and Contemporary Problems*, Vol. 23, 1958.

105. Hood, Roger, "capital punishment", *Encyclopedia Britannica*, 2022, <<https://www.britannica.com/topic/capital-punishment>>.

106. Jestaz, Philippe, "La parenté (Conférence Wainwright)", *Revue de droit de McGill*, Vol. 41(2), 1996.

107. Martin, Jacqueline, *Criminal Law (Key Facts Key Cases)*, 1st Ed., London, Routledge, 2014.